



روحی تازه در کالبد سینمای روسیه

ترجمه: امیرضانوری زاده - لس آنجلس تایمز

شدت پایین است و استقبال آنها از فیلمها نشانگر علاقه وافر مردم این کشور به سینمای داخلی است. در سال ۱۹۹۱ از پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، صنعت سینمای این کشور که آثاری چون زرمایوتسکی (سرگی آیزنشتاین) و سولاریس (آندری تارکوفسکی) و جنگ و صلح (سرگی بوندار چوک) را با بودجه صددرصد دولتی عرضه کرده بود، ناگهان خود را قافله گرگونه سرماه برای ادامه حیات دید. حدود ۲۰۰۰ سالن سینما نیز در سطح کشور دچار مشکلات فراوان شدند و برخی بدبل نمایشگاه اتومبیل شدند و مردم نیز به تلویزیون و نسخه های قاچاق فیلمهای ویدئویی روی آوردند و بدین ترتیب یکی از بهترین بازارهای سینما در جهان نابود شد چرا که تا قبل از آن هر روسی به برابری یک آمریکایی در سال به سینما می رفت. در اواخر دهه ۱۹۹۰ فیلمهای آمریکایی حدود ۸۰ درصد اکران سینمای روسیه را به خود اختصاص می داد. کارنان شناخارووف کارگردان فیلم «سواری به نام مرگ» و مدیر موسس فیلمسازی ۷۲ متر اشاره کرد. ۷۲ متر روایتی سینمایی از ماجرای واقعی سهل انگاری دولت روسیه بود که منجر به مرگ ۱۱۸ خدمه زیر دریایی کورسک در سال ۲۰۰۰ شد. این روند در سایر کشورها نیز مشاهده می شود. در کشور چک فیلمهای داخلی ۲۴ درصد فروش کلی را به خود اختصاص دادند و گرچه فیلم ارباب حلقه ها؛ بازگشت پادشاه در صدر فیلمهای فروش جای گرفت اما چهار فیلم از جمهوری چک در بین ۱۰ فیلم فروش جای گرفتند، در ترکیه نیز ۶۰ درصد فروش فیلمها به تولیدات داخلی اختصاص داشت و ۶ فیلم از ۱۰ فیلم تولید داخلی هستند. فیلم ترکی Gora نیز حدود ۱۸ میلیون دلار در سال ۲۰۰۴ فروش داشت. البته رقم فروش فیلمها در روسیه ارزش ویژه ای دارد چرا که درآمد مردم در این کشور به



سال گذشته حدود ۱۱/۶ درصد افزایش یافته میلادی اکران کند و آخرین تست این سده گانه نیز قرار است به زمان انگلیسی و در آمریکا فیلمبرداری شود. آثار انگلیس منتقد و تحلیلگر سینمای اروپای شرقی در مسکو می گوید: فیلمهای آمریکایی از عصر سینمای سلامت بازار جهانی را قبضه کردند ولی بخش اعظم درآمد این فیلمها در خود آمریکا است و فروش خارجی هرگز برای تهیه کنندگان و صاحبان استودیوها جدی نبوده است ولی پس از ادامه دهه ۱۹۷۰ که هزینه های هنگفتی صرف تولید فیلمها شده ناگهان بازار بین المللی فیلم نیز ارزش فراوانی پیدا کرد. اما اکنون مردم از فیلمهای آمریکایی خسته شده اند و شرکتهای فیلمسازی ترکی، لهستانی و چند کشور اروپای شرقی دیگر تولید فیلمهای داخلی را آغاز کرده اند و این فیلمها آثار آمریکایی را در گیشه پشت سر می گذارند. میزان کلی فروش فیلمها در کشورهای روسیه و اکراین نسبت به

یک دهه پیش سینمای روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تقریباً مردم بود و استودیوهای مشهور موس فیلم که زمانی کارگردانانی چون آندری تارکوفسکی و سرگی آیزنشتاین در آن فعالیت می کردند اکنون بدل به سنگدانی و پاپوق و لنگراند محلی شده بود ولی زمانی که در تابستان گذشته فیلم اکشن - تخیلی شب تاب اکران شد، واقعه ای در بازار سینمای روسیه تلقی شد و رساناتی که تا به حال سینمای روسیه به وجود آورد که باعث بهبود امکانات فیلمسازی در روسیه شد و سلطه هالیوود بر گیشه در روسیه را به پایان رساند. فیلم نگهبان شب در ۲۵ میلیون دلار در روسیه اکران شد و فروش آن بیش از فیلمهای جشن تروا، ارباب حلقه ها، بازگشت پادشاه و ورزی پس از فراد بود و فروش آن حقیقا سه برابر فیلم انتباهی ماتریکس بود. پس از آن بود که فیلم دیگری خیلی زود نواست موقعیت نگهبان شب را تکرار کند. فیلم Turkish Gambit پیرامون جنگهای ترکیه و روسیه در سال ۱۸۷۷ نیز با فروش ۱۹۲ میلیون دلار در روسیه رکورد فیلمهای جنگهای ستاره ای و اسکندر را پشت سر گذاشت و این برای به تصویر کشیدن جنگی که اکثر مردم جهان چیزی در مورد آن نمی دانند، فوق العاده است. گرچه ارقام فروش این فیلمها در مقایسه با فروش فیلمهای هالیوود در بازار آمریکا اصلا قابل مقایسه نیست ولی نکته مهم بالاتر بودن میزان فروش آنها در گیشه روسیه از رفای بزرگ روسی در گیشه به سختی تأمین می شد. این پدیده دو دلیل اصلی داشت. ابتدا موع بازسازی سینمای روسیه در شهرهای بزرگ این کشور و دیگری اتخاذ استراتژی منطقه ای برای تبلیغات. این روند نه تنها در روسیه بلکه در کشورهای همچون لهستان، بلغارستان و ترکیه نیز آغاز شده و مردم به تدریج ارزش خاصی برای تولیدات داخلی سینمایی کشورشان قائل می شوند و چهره آشنای هنریستان خود را به ستارگان هالیوود ترجیح می دهند. اما اینکه فیلمی چون نگهبان شب می تواند در بازار بین المللی نیز موفق باشد هنوز مشخص نیست و اولین اکران بین المللی آن در پاییز امسال در آمریکا خواهد بود. استودیو فیلمسازی قاس سرع لایت پیکچرز نیز در نظر دارد تا قسمت دوم فیلم به نام نگهبان شب را به کارگردانی تیمور بکهایم بتوف که مراحل تدوین را می گذراند، در بهار سال

شرکت روسی رامکو تولید می شود. مارک دامون تهیه کننده فیلم می گوید: اکنون موانع برای جذب شرکتهای فیلمسازی آمریکایی و بین المللی به روسیه از بین رفته است و با توجه به استفاده ها و امکانات خوب در روسیه، قطعاً این روند رو به جلو ادامه خواهد یافت. رولند جافی نیز می گوید: البته ما به مشکلات متعددی در حین تولید فیلم برخوردیم که برای رفع آنها نیازمند به حضور چند فرد متخصص اضافه در تیم فنی بودیم ولی در مجموع فکر می کنم که انتخاب مسکو برای ساخت فیلم، کار درستی بود. از طرفی آنتونی ماکسیموف و کسانتین ارنست تهیه کنندگان فیلم نگهبان شب برای فیلم خود از جلوه های ویژه کامپیوتری بیشتر استفاده کردند تا فیلم بتواند از این لحاظ نیز با سایر فیلمهای آمریکایی رقابت کند. با وجود استفاده از این امکانات هزینه ساخت دو فیلم مورد بحث بسیار مطلوب بود. فیلم نگهبان شب فقط ۴۲ میلیون دلار هزینه داشت و فیلم Turkish Gambit با بودجه ای ۳۵ میلیون دلاری ساخته شد و صحنه های نبرد گلابداتور گونه آن نیز با حضور چندین بازیگر فیلمبرداری شد. اما بودجه تبلیغات آن قابل توجه بود و هر کدام از آنها حدود ۷ میلیون دلار هزینه تبلیغات داشت تا بتوانند از لحاظ هزینه تبلیغاتی نیز با آثار سینمای آمریکا رقابت داشته باشد. نکته دیگر که باعث تکراری تهیه کنندگان این فیلمها شده بود، سیستم قاچاق دی وی دی روسیه بود بنابراین تهیه کنندگان قراردادی را برای عرضه دی وی دی فیلمها در چهار هفته بودیم و نمی دانستیم از چه محلی تأمین می شود و نمی دانستیم که ما و اماسی نمی داد و بندر ایتکه کمتر کسی ضروری برای اجیای موس فیلم احساس می کرد. بنابراین ما بخشی از بودجه ها را به ناچار از محل فروش آرشو فیلمهای کلاسیک روس تأمین کردیم و بسیاری از آنها از شبکه های مختلف تلویزیون پخش شدند و بعد با بودجه به دست آمده اقدام به خرید تجهیزات کردیم. در سالهای اخیر مسئولان فیلم روسیه حتی امیدوار شده اند که با شکوفایی استودیوهای روس فیلم کارگردانان تهیه کنندگان آمریکایی را به تولیدات مشترک سینمایی ترغیب کنند. از جمله اولین فیلمها در این راستا فیلم اسارت آخرین ساخته رولند جافی است که در روسیه و با بازیگران آمریکایی و سرمایه گذاری مشترک از این دست خواهند داد.

بختی درباره زمینه های شکل گیری و ویژگی های شعر هفتاد

فرار به سوی سرزمین های ناشناخته زبان

محمدحسین عابدی
قسمت چهارم و دوم

در چند شماره گذشته سعی شد با ذکر قسمتی از بیانه شعر حجم، نظر نگارنده درباره واژه «حجم» براساس توضیح «رژبانی» بیان شود و در عین حال نظریکی از منتقدان شعر حجم نیز ذکر شد تا در این فرصت کوتاه زوایای متفاوتی از شعر حجم بررسی شود به این نکته برسیم که در تمامی موارد فوق، تفاوت هایی را میان شعر حجم و شعر هفتاد می توان ذکر کرد:

الف - براساس آنچه که در بیانه شعر حجم آمده است شعر در رسیدن به دریافت، از حجمی که بین آن دریافت و واقعیت مادر است - نه از طول - به سرعت می برسد می آنگه جای پایي و علائمی به جای بگذارد و توضیح دادیم که در شعر هفتاد کلمات باید برای حضور خود در شعر، سبزی را به مخاطب ارائه دهند و در صورت تغییر هویت، ردی از هویت تازه خود بر جای بگذارند.

ب - براساس آنچه در توضیح شعر حجم توسط رژبانی و دیگران بیان شده است ما در هر حال با تشبیه به شیوه سنتی سر و کار داریم، حال چه آن را به صورت فرمول «تشبیه + شگردهای بدیعی» در نظر آوریم و یا حصر را معادل «ساقط شدن ادات تشبیه» بدانیم و یا فقط به مثال «روای» اشاره کنیم و تجلی آن را در سطری مانند «جشم تو در انتهای شب ایستاده است» جست وجو کنیم. همانطور که می بینیم در مثال فوق و یا مثال های «تشبیه ساده و قدیمی چشم به شب» و «چشم یار از سیاهی شب و ام قافله است» در هر حال تشبیه و تشبیه به همان هایی است که پیش از آن بوده است و تفاوت در ساقط شدن ادات تشبیه و در آمیختن تشبیه با شگردهای شعری دیگر است. این در حالی است که نگاه شعر هفتاد به تشبیه، متفاوت با آن چیزی است که پیش از آن بوده است و همانطور که ذکر شد شاعر شعر هفتاد به دنبال ساختن شباهت میان چیزهایی است که تاکنون هیچ شباهتی میان آنان وجود نداشته است و برای این کار ناگزیر این است که این تشابه را در بافت بسازد. همین جالرم دستاوردهای شاخه های شعری متفاوت و آنچه تاکنون بوده است به شمار می آید بلکه شعر هفتاد در درون خود حامل همه تجربیات شعری پیش از خود است و اگر چنین نباشد چگونه می توان توقع شعری در خور اعتنا داشت؟ بدیهی است که هیچ هنرمند، نویسند و شاعری نمی تواند مدعی شود که هیچ تأثیری از گذشته و امروز خود نگرداند. بر همین اساس اگر اوج استفاده از ابزاران عروضی در اشعار شاعران کلاسیک ظهور نمی یافت و صدها سال تکرار نمی شد، ضرورتی نبود که نیمایی هفتاد و اگر چنین می شد هم کسی اعتنایی نمی کرد؛ اما این هم هست که هر کس تلاش می کند به قدر وسیع خود چیزی بر این جنبه فرهنگ بشری بیفزاید. برای همین هم به اعتقاد من حرکتی است که در عرصه شعر رخ داده است هرگز نباید به صورت انتزاعی و به عنوان تافه ای جدیافته در نظر آورد که در این صورت مطالبی برای اعتنا نخواهند داشت بلکه ضروری است این حرکتی شعری در کنار هم و به صورت پیوسته بررسی شود تا معنای شایستگی، جایگاه و ضرورت هر یک را در عرصه زمانی خود و امروز و حوزی فردای شعر ایران و جهان دریابیم.